

نخبه‌گرایی یا تبعیض؟

چرا سخنان سریع القلم درباره «فقرا» جنجالی شد؟

سخنان اخیر محمود سریع القلم، استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی، بار دیگر مفهوم نخبه‌گرایی را در مرکز مناقشه عمومی قرار داده است. رویداد ۲۴ نوشت، او در گفت‌وگویی تأکید کرده بود که «ریشه بسیاری از مشکلات ما، حاکم بودن طبقه ضعیف در کشور است» و نباید اجازه داد «کسی از طبقه ضعیف وزیر خارجه یا وزیر اقتصاد شود». او همچنین گفته است افرادی که از طبقه فرودست برخاسته‌اند «به دنبال رفع محرومیت‌های گذشته‌اند نه شکوه ایران». همین گزاره‌های صریح کافی بود که فضای سیاسی، رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی به سرعت وارد وضعیت واکنشی شود.

واکنش‌ها: از مجلس تا رسانه‌ها

در نخستین ساعات انتشار این نقل قول‌ها، چهره‌های اصولگرا با لحنی تند به او حمله کردند. سید نظام الدین موسوی، سخنان سریع القلم را «تحقیر طبقات فقیر و مستضعف» دانست و آن را در تضاد آشکار با مبانی انقلاب عنوان کرد. فعالان رسانه‌ای نزدیک به این جریان نیز در تحلیلی هماهنگ، سخنان او را «تبعیض آمیز» و «فاقد پایه علمی» خواندند؛ به‌ویژه رسانه‌هایی، چون فارس و خراسان که این دیدگاه را نقض آشکار اصول قانون اساسی دانستند. در جناح میانه‌رو هم واکنش‌ها کم نبود؛ منتقدان این بار نه به دلیل اختلاف سیاسی، بلکه از منظر اخلاقی به گزاره «نباید اجازه داد فقرا پست بگیرند» اعتراض کردند و آن را نمونه‌ای روشن از طبقه‌محور شدن بحث شایستگی دانستند؛ مفهومی که در علوم سیاسی مدرن جایگاه چندانی ندارد. توصیف قابلیت مدیریتی افراد بر اساس «طبقه تولدی»، به‌ویژه هنگامی که به صورت گزاره‌ای قطعی بیان شود، عملاً از ایده نابرابری ذاتی حمایت می‌کند. این بخش از تحلیل او، به‌جای تمرکز بر نهادسازی، مهارت مدیریتی یا کیفیت آموزش، به زمینه خانوادگی و طبقاتی وزن می‌دهد و همین مساله، دلیل اصلی موج واکنش‌ها بود.

شواهد علمی چه می‌گویند؟

کارشناسان توسعه و اقتصاد سیاسی عموماً بر این باورند که منشأ طبقاتی افراد، نه تنها شاخص معتبر شایستگی نیست بلکه می‌تواند عامل خطا در تحلیل باشد. مطالعات بانک جهانی، OECD و پژوهش‌های دانشگاهی نشان می‌دهد کیفیت نهادها، دسترسی برابر به آموزش، شفافیت و نظام ارزیابی عملکرد، تعیین‌کننده‌های واقعی کارآمدی دولت هستند؛ نه اینکه فرد در کودکی «اتاق مستقل» داشته یا خانواده‌اش در طبقه متوسط بوده است. با چنین پشتوانه‌ای به دشواری می‌توان ادعا کرد که طبقه متوسط ذاتاً «مرد پرتز» است. در مقابل، نمونه‌های تاریخی بسیاری از ماندلا تا گاندی و صدها سیاستمدار معاصر، از طبقات پایین برخاسته‌اند و حضورشان به کیفیت سیاست‌گذاری و اصلاح ساختارها عمق داده است.

مساله اصلی چیست؟

سریع القلم به درستی بر اهمیت صلاحیت مدیریتی و کیفیت نخبگان تأکید می‌کند، اما مساله در نحوه صورت‌بندی اوست. آنچه بحث را به اعتراض گسترده رسانده، تأکید بر «منشأ طبقاتی» به عنوان شاخص ذاتی شایستگی است؛ درحالی‌که معیارهای مدرن انتخاب مدیر بر تجربه، دانش، اخلاق حرفه‌ای و نظام ارزیابی عملکرد استوار است. به‌عبارت دیگر، می‌توان از ضرورت حرفه‌ای سازی مدیریت دفاع کرد. اما نمی‌توان آن را به «حذف یک طبقه اجتماعی از امکان‌های مشارکت و تحلیل داد. در نقطه‌ای که تحلیل بر معیارهای مبهم مثل تربیت خانوادگی یا سطح رفاه دوران کودکی متکی می‌شود، بحث از قلمرو علمی خارج شده و وارد حوزه تبعیض می‌شود.

تبعیض تا نواندلسازی

بحث اصلی امروز جامعه ایران نه حذف طبقه‌ای از مشارکت، بلکه ایجاد فرصت‌های برابر برای ارتقای همه طبقات است. اگر هدف، بهبود کیفیت مدیران است، راهکارهایی، چون اصلاح نظام گزینش، افزایش شفافیت، ارزیابی حرفه‌ای، ارتقای سرمایه انسانی و تقویت آموزش عمومی بسیار کارآمدتر از نگاه طبقاتی است. تقویت طبقه متوسط نیز زمانی معنا دارد که نتیجه‌اش ارتقای افشار پایین‌تر باشد، نه محدودکردن آنها. سخنان سریع القلم بحث مهمی را مطرح کرد، اما بیان او – با صراحت در حذف طبقات فرودست از عرصه مدیریت – این بحث را به سمت نخبه‌گرایی افراطی برد. موج واکنش‌های سیاسی و رسانه‌ای تا حد زیادی قابل درک است: از یک‌سویه دلیل بار تبعیض آمیز گزاره‌ها و از سوی دیگر به دلیل نبود پشتوانه علمی برای ادعای طبقه‌محور بودن شایستگی. حلقه‌گشوده این بحث، اما همان چیزی است که حوزه سیاست‌گذاری سال‌ها به آن نیاز دارد: تمرکز بر کیفیت نهادها، فرصت برابر، شایسته‌سالاری واقعی و پرهیز از تحلیل‌هایی که شکاف طبقاتی را طبعی‌سازی می‌کند.

دوشنبه

۱۳۰۴ • ۰۹ • ۱۵

۱۵ جمادی الثانی ۱۴۴۷ ه‍.س/ ۱۵ دسامبر ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۲۶۵

«آرمان ملی» عدم تاثیر جریان های سیاسی بر جامعه را بررسی می کند

شکاف جریان های سیاسی با جامعه

◀ **سعید حجاریان: سیاست ایران گرفتار بی آرمانی و موج سواری تئوریک است**



مواجهه شده‌اند. بدین معنا که حسب شرایط کشور از آرمان تهی شده و در نتیجه، قطب‌نمای خویش را از دست داده‌اند و نهایتاً روش‌شناسی‌شان به سطح دشمن‌شناسی تنزل کرده است.

حذف از بازار سیاست

این نظریه‌پرداز اصلاح‌طلب معتقد است: «علاوه بر این، جریان‌های سیاسی برخلاف نحل‌های فکری، فارغ از داوری ارزشی آنها، از نظریه‌های قابل تطبیق نیز بی‌بهره شده‌اند. به عبارتی، در مقام ثبوت سخن بسیار می‌گویند اما در مقام اثبات سخن شنیدنی عرضه نمی‌کنند و به عبارتی از بازار سیاست حذف شده‌اند. این وضعیت وخیم حوزه سیاست در ایران را می‌توان موج سواری تئوریک نام نهاد. این موج سواری برآمده از درک نامناسب شرایط اجتماعی، و مشخصاً عدول از چارچوب‌بندی‌های افق بخش نظیر طبقه، منزلت و قدرت است. براساس تحلیل‌های طبقاتی متأخر، جریان سیاسی می‌تواند فهمی دقیق‌تر از آنچه در جامعه می‌گذرد، ارائه دهد و مشخصاً بلوک‌ها و برش‌هایی از جامعه را سوزه‌گفت‌وگو، تعامل و بسیج سیاسی و اجتماعی قرار دهد. حال آن‌که گفتارهای رهن، که بخشی ناشی از ترجمه‌زدگی و بخشی دیگر برآمده از مزمن، نامناسبی است عاید جز سرگردانی نداشته است». حجاریان با اشاره به تئوری توسعه و عدالت می‌گوید: «چنانکه مشاهده می‌کنیم برای یک ساختار مشخص سیاسی، با اقتصاد سیاسی کمابیش روشن، انبوهی تئوری توسعه و عدالت تجویز شده است بی‌آنکه به سطوح زیربنایی آن نظریات توجه شده باشد. این وضعیت تا حدی ترازیک و گاه کمیک است که حتی اگر صاحبان تئوری مشهور از گور برخیزند، قادر نخواهند بود با تابعان امروز خود به گفت‌وگو بپردازند. به عبارتی ما با حاضرائی مواجه هستیم که سخن بسیار می‌گویند، اما بر جامعه و سیاست تأثیر عمیق و مثبتی نمی‌گذارند. وضعیتی که زیگموند باومن از آن با سیالیت سیاست یاد کرده و توضیح می‌دهد که استراتژی‌های بلندمدت و برآمده از آرمان جای خود را به تاکتیک‌های واکنشی و اپیژودیک مبتنی بر منفعت می‌دهند.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی مطرح می‌کند

پاستور دست به‌گریبان بود چه نویسی

مهدی پازوکی: تسلسل بی انضباطی بود چه‌ای باید برطرف شود

ماده ۱۸۲ آیین‌نامه داخلی مجلس، بودجه سال ۱۴۰۵ فاقد احکام بوده و دولت صرفاً جداول را به‌صورت یک مرحله‌ای تقدیم مجلس می‌کند. این جداول حکم قانونی ندارد و در نتیجه مجلس فشار برخی جریان‌های سیاسی طراحی می‌شود در نتیجه به محلی برای سهم دادن‌های سیاسی تبدیل شده‌اند. سومین مورد جلوه این ناسامانی، بی‌انضباطی مالی است که در لایحه بودجه همواره مشاهده می‌شود. در بودجه سال ۱۴۰۴ سال آینده همانند گذشته به بخش‌هایی اعتبارات اختصاص یافته که اولویتی ندارند و در مقابل، حوزه‌های حساس و ضروری با کمبود منابع مواجه‌اند. این وضعیت، نتیجه نفوذ و چانه‌زنی تئورها در فرآیند بودجه‌نویسی است. مجموع این بی‌انضباطی‌ها، بنیان بسیاری از مشکلات اقتصادی کشور را شکل داده است. بدون اجرای اصلاحات عمیق و ساختاری در این سه حوزه، مهار تورم و بازسازی اعتماد عمومی به سیاست‌های اقتصادی دور از دسترس خواهد بود. ما باید برای بهبود این وضعیت به بی‌انضباطی در بودجه نویسی پایان دهیم».

◀ بودجه فاقد احکام

محسن زنگنه، سخنگوی کمیسیون تدوین آیین‌نامه مجلس با اشاره به اینکه برخلاف برخی ادعاها دست مجلس بسته نشده بلکه دست دولت بسته شده است، گفت: «تا قبل از این ۹۵ درصد احکام را دولت می‌آورد. دولت باید منضبط باشد و با قوانین دائمی کشور را اداره کند. قرار نیست دولت ناتوانی و ناکارآمدی خود را در قانون بودجه سر مردم و بخش خصوصی و تولیدکننده بشکند. دو فوری‌تی‌ای که اول رای دادیم درباره حقوق، دستمزد کف و سقف بود و کار ارزشمندی بود. دوستان تا قبل از اصلاح ماده ۱۸۲ آیین‌نامه، ۹۵ درصد احکام بودجه‌ای در همه سال‌ها از سوی دستگاه‌های دولتی به مجلس ارائه می‌شد و همین امر نشانه‌ای از بی‌انضباطی دولت در فرآیند بودجه‌ریزی است».

◀ تسلسل بی انضباطی بودجه‌ای

مهدی پازوکی، استاد دانشگاه و تحلیل‌گر مسائل اقتصادی در واکنش به چالش‌های بودجه‌نویسی در ادوار دولت‌ها و همچنین سرمایه‌گذاری خارجی تحمیل کرده‌اند. از می‌گوید: «آنچه امروز در نظام اقتصادی

مشاهده می‌کنیم، بیش از هر چیز ناشی از اختلالات جدی در سه عرصه پولی، اداری و مالی است. نخست، بی‌انضباطی پولی در شبکه بانکی است؛ حجم پدیه‌های معوقه به‌طور مستمر روبه افزایش بوده و ناترازی بانک‌ها به مرحله‌ای رسیده که ماهیتی بحرانی یافته است و حالا شاهد تعطیلی برخی از آنها هستیم. برقراری نظم و شفافیت در این بخش، وظیفه‌ای بنیادین برای بانک مرکزی است و تنها با اعمال سیاست‌های

سیاست

گزارش

واکنش‌های سه‌گانه مدافعان فیلترینگ

به افشای خط سفید

توجیهاتی که مردم را قانع نکرد

همه چیز از آیدیت یک اپلیکیشن شروع شد؛ شبکه ایکس یا همان توییتر سابق، در جدیدترین به‌روزرسانی خود قابلیتی برای نمایش محل استقرار گردانندگان حساب‌ها را فعال کرده است؛ اقدامی که زمینه‌ساز بروز یک جنجال بزرگ در فضای سیاسی کشور شد تا اساسی کسانی که با اینترنت بدون فیلتر، بر روند فیلترینگ تأکید داشتند، دست به دست در فضای مجازی بچرخد. در واقع، بر اساس آنچه روزنامه اعتماد در خصوص این به‌روزرسانی این اپلیکیشن نوشته است، قابلیت جدید ایکس با عنوان «About This Account» (« درباره این حساب)، محل تقریبی فعالیت اکانت را نمایش می‌دهد؛ البته با این توضیح که ممکن است به دلیل «سفر یا جابه‌جایی موقت» تغییر کند. نیکیتا بیر، مدیر محصول ایکس، گفته این اقدام بخشی از تلاش پلتفرم برای شفاف‌سازی و احراز اصالت محتواست. قابلیت «About This Account» که نوامبر ۲۰۲۵ در شبکه ایکس (توییتر سابق) معرفی شد، در حقیقت به کاربران امکان می‌دهد کشور یا منطقه‌ای را که حساب‌شان در آن است مشاهده کنند.

مدیر محصول ایکس اعلام کرده که هدف این قابلیت، افزایش شفافیت و کمک به تشخیص اصالت حساب‌ها و مبارزه با حساب‌های فیک یا ربات است. در واقع X می‌گوید با نمایش کشور «محل استقرار حساب» (account base) قصد دارد به کاربران کمک کند اصالت حساب‌ها را بهتر درک کنند و احتمال اینکه یک اکانت ربات یا «بیگانه تأییدگر» باشد، کاهش یابد. از سوی دیگر، در یکسال و نیمی که از عمر دولت پزشکیان می‌گذرد، تلاش‌های او برای رفع فیلترینگ به در بسته خورد و موافقان ادامه یافتن روند فعلی فیلترینگ مانع از اجرای وعده‌های انتخاباتی او شدند. حال، انتشار اسکرین‌شات از سیاسیونی که خود مدافع فیلترینگ بودند اما از خط سفید استفاده می‌کردند، زمینه خشم مردم و افکار عمومی را فراهم کرده و این سؤال را ایجاد کرده است که چرا مخالفان رفع فیلترینگ باید از اینترنت بدون فیلتر استفاده کنند.

◀ واکنش تدروها

هرچند افشای نام مسئولان و سیاسیونی که دارای خط سفید بودند بدون فیلتر هستند آن قدر زیاد است که در این گزارش نمی‌گنجد، اما در این بین نام افراطیون و دلوایسان مخالف آزادسازی فضای مجازی بیش از پیش به چشم می‌خورد؛ کسانی که سال‌ها دست‌خوشان از اینترنت بدون فیلتر استفاده می‌کنند اما خلاف جهت مطالبه ملی شنا می‌کنند. به بیان دیگر، در چند سال اخیر که فیلترینگ در کشور شدت پیدا کرده و سودهای زیادی روانه جیب کاسبان فیلترشکن می‌شود، بارها کارشناسان و دولتمردان نسبت به این موضوع هشدار داده و حتی فیلترشکن‌ها را هم اجباری برای جاسوسی دشمن از کشور معرفی کرده‌اند، اما تا به الآن تئدروها توجهی به هشدارهای کارشناسان نداشتند و صرفاً فضای مجازی را به میدان جنگی تشبیه کرده و خود را جنگجویان این میدان معرفی کردند.

اما پس از افشاگری‌های اخیر از وضعیت اینترنت و خطوط سیاسیون، واکنش تئدروها حائز اهمیت بود. برخی از آنان سعی کردند با استراتژی سکوت از کنار این افشاگری‌ها بگذرند تا شاید با وقوع حادثه‌ای جدید، این موضوع به فراموشی سپرده شود. عده‌ای هم شروع به تکذیب کرده و آن را «دروغ توییتری» خواندند و عده‌ای نیز با چرخشی عجیب و غریب فریاد رفع فیلترینگ سر دادند. مانند امیرحسین ثابتی، مشاور سعید جلیلی، که با انتشار متنی بلند افشاگری‌ها علیه خود را تکذیب کرد و نوشت: «اگر کسی برای غلبه بر فیلترینگ از طریق وارپ یا مسک (کلانیتی رسمی و غیررسمی) استفاده کرده باشد یا سراغ کانفیگ‌های سرورلس رفته باشد، در قسمت درباره حساب کاربر کشور ایران نمایش داده می‌شود. به همین دلیل، خود توییتر اعلام کرده این مساله (اعلام کشور مریداً) «اگر کسی برای غلبه بر فیلترینگ از طریق وارپ نیست». عیداً... گنجی، روزنامه‌نگار اصولگرانیز که از جمله کسانی است که نامش در میان دارندگان خط سفید به چشم می‌خورد، در توضیحی در این باره نوشت: «از فحش و نفرین یا حسادت و بی‌تابی را در چند روز اخیر دیدیم. اگر معنای خط سفید اینترنت رایگان است، بنده در ماه بین ۲۵۰ تا ۲۷۰ هزار تومان پول اینترنت می‌دهم و گزینه‌ام تمدید اتوماتیک است. خط تلفن هم ۲۱ سال است از خود هست و هیچ‌گاه دو خطی یا چند خطی نبوده‌ام». حیدم رسایی هم که تا دیروز از مخالفان صد درصدی رفع فیلترینگ بود، با یک چرخش عجیب سیاست فیلترینگ غلط اعلام کرد. همچنین، مرتضی آقاچه‌رانی، مهری طالبی اردستانی، سپهر خلجی، یاسر جبرائیلی و سعید جلیلی از جمله کسانی بودند که سکوت پیشه کردند.

◀ تناقضی که پنهان نماند

در نهایت، افشاگری‌های اخیر درباره «خط سفید» تنها یک بحث فنی یا اختلاف بر سر یک قابلیت جدید نبود؛ بلکه پرده از واقعیتی برداشت که سال‌ها زیر پوست فیلترینگ پنهان مانده بود. واقعیتی که نشان می‌دهد سیاست فیلترینگ، همان قدر که بر زندگی روزمره مردم سایه انداخته، در عمل برای بسیاری از طراحان و مدافعانش چندان جدی نبوده است. سکوت، تکذیب‌های پراکنده و پاسخ‌های متناقض چهره‌های سیاسی نیز نتوانست تصویر شکل‌گرفته در افکار عمومی را تغییر دهد و خط سفید را نمادی از یک تبعیض دانستند. اکنون با روشن‌شدن این تناقض، پرسش اصلی جامعه نه درباره یک اپلیکیشن، بلکه درباره اعتماد است؛ اینکه چگونه می‌توان از مردم خواست محدودیت‌هایی را بپذیرند که سیاست‌گذاران خود به آن پایبند نیستند. این ماجرا، فارغ از آنکه در نهایت چه توضیحاتی درباره آن ارائه شود، نشانه‌ای از شکاف عمیقی است که میان تصمیم‌گیران و مخاطبان تصمیم‌ها وجود دارد؛ شکافی که با هر افشاگری تازه، عمیق‌تر می‌شود.